

ماسخت جان‌ترین پزشکان هستیم

گفت و گو با پروفسور «فریدون سبزی» رکورد دار بیشترین و موفق ترین عمل های جراحی قلب در سال درباره شغلش، سختی هایش و ... به بهانه روز جهانی اتاق عمل

مهمین ریشانی | روزنامه نگار

پرونده

جراحی قلب یکی از رشته‌هایی است که علاوه بر داشتن دانش به روز، نیاز

به دقت، حوصله و صبر فراوان دارد. رشته‌ای که فعالیت در آن شوخی بردار نیست چرا که به صورت مستقیم با جان بیمار مرتبط است و کوچک‌ترین اشتباه، جان یک انسان را با تهدید جدی روبه‌رو خواهد کرد. چه بسیار آدم‌های خستگی ناپذیری که با تلاش و کوشش بی‌وقفه‌شان در یک محیط استریل، زندگی را به دیگران هدیه می‌دهند. امروز به مناسبت ۱۴ نوامبر که در تقویم پزشکی جهان به نام «روز جهانی اتاق عمل» نام‌گذاری شده، به سراغ یکی از موفق‌ترین جراحان قلب ایران رفته‌یم تا با او درباره سختی‌ها و شیرینی‌های حرفه‌اش صحبت کنیم. پروفسور «فریدون سبزی»، رکورددار بیشترین عمل جراحی قلب که بیش از ۱۲۰۰ عمل جراحی را در سال گذشته به سرانجام رسانده، در پرونده امروز زندگی سلام و در گفت‌وگو با ما درباره شغل پر استرسی می‌گوید. با ما همراه باشید.



عکس: هانا ایران‌نصرتی و فارس

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

شنبه • ۲۴ آبان ۱۳۹۹

۲۸ ربیع الاول ۱۴۴۲ • ۱۴ نوامبر ۲۰۲۰

شماره ۳۰۵۲۲

۱۷۴۲

۸ باور غلط

درباره آلزایمر

کرونا با اهدای خون

منتقل نمی‌شود

چرا باید کتاب بخوانیم؟

حقایقی جالب درباره «ما»

قلب بیمار که نتپد، قلب من فشرده می‌شود

می‌تپد. ناراحتی یا خشنودی ما به بیمارمان وابسته است. اگر بیمار خوشحال باشد، ما هم خوشحالیم و برعکس، این رابطه بین قلب من و بیمار در تمام مدتی که در اتاق عمل هستیم، وجود دارد.»

عمل می‌شکافد، سوال می‌کنم که می‌گوید: «هر سینه‌ای را می‌شکافم و به قلبش دست می‌زنم، دوست دارم این قلب تپش منظم پیدا کند و هر وقت دیر شروع به تپش می‌کند، قلب من هم فشرده می‌شود. قلب من با قلب بیماران

از دکتر می‌پرسم با این همه سال تجربه، احتمالاً باید چشم بسته بیمارها را عمل کنید که می‌خندد و می‌گوید: «چشم بسته که نمی‌شود اما دیگر حفظ شدم.» از او درباره احساسش زمانی که قلب یک انسان را برای

ساخت دریچه میترال را برای اولین بار در دنیا انجام دادم

نوشتن مقاله، ترجمه و تالیف چند کتاب از جمله کارهایی است که دکتر سبزی با علاقه انجام داده است، کتاب‌هایی درباره جراحی عروق کرونر، اولین کتاب پزشکی قانونی و چند کتاب در خصوص بیماری‌های مادرزادی، در مان خون‌ریزی و ۲۰۰۰۰ مقاله بین‌المللی و دو اختراع مربوط به دریچه‌های قلب که در حال ثبت است، از دیگر فعالیت‌های شاخص پروفسور محسوب می‌شود. همچنین او برای اولین

بار در دنیا طراحی و ساخت دریچه میترال با بافت پریکارد خود بیمار را انجام داده و در این باره می‌گوید: «در تمام دنیا چنین چیزی که دریچه میترال تمام پریکاردی را در حین عمل از پریکارد بیمار تهیه کنند، انجام نشده است. در ضمن ما این دستاورد را در یک ژورنال آمریکایی چاپ کردیم.»

پیوند قلب را در برنامه‌کاری‌ام دارم

جراحی پیوند قلب و همچنین استفاده از قلب مصنوعی از جمله مسائلی است که دوست داشتم همیشه از یک متخصص بپرسم، حال چه فردی بهتر از پروفسور سبزی برای پاسخ دادن به این سوال: «انجام جراحی پیوند قلب را در برنامه بیمارستان داریم اما هنوز انجام نداده‌ایم. با شروع کرونا این پروژه تعلیق شده است و منتظر کنترل بیماری کرونا هستیم. قلب مصنوعی هم بر اساس پمپ هیدرولیک طراحی شده و در آن نیرو توسط مایع از نقطه‌ای به نقطه دیگر و همچنین خون به گردش روی سیستمیک منتقل می‌شود. این پمپ دارای باتری است که بدون باتری خارجی کار می‌کند و باتری داخلی را شارژ می‌کند. قلب مصنوعی از تیتانیوم است. وقتی قلب بیمار به هیچ روش درمانی پاسخ ندهد ما قلب مصنوعی را جایگزین می‌کنیم که مریض تا فاصله زمانی دریافت پیوند مناسب زنده بماند. در نارسایی‌های شدید کیفیت زندگی با قلب مصنوعی بهتر می‌شود و بیمار می‌تواند فعالیت فیزیکی داشته باشد ولی نیاز به مراقبت زیادی دارد.

جراحی کردن به دقت، تمرکز و توان زیادی نیاز دارد

باشید، دستیاران جراحی، عمل‌ها را انجام می‌دهند یا حداقل بخشی از آن را به عهده می‌گیرند در حالی که در رشته قلب چنین نیست. با همه این توصیف‌ها، متأسفانه سیاست وزارتخانه به نفع جراحی قلب نیست و من به عنوان جراح، آینده خوبی برای آن متصور نیستم. به عنوان مثال، بعضی عمل‌ها در بعضی حوزه‌های دیگر، ۵ دقیقه طول می‌کشد و آن افراد با انجام جراحی سبک‌تر از جراح قلب که کارش ساعت‌ها طول می‌کشد و حساسیت و استرس زیادی دارد، درآمد بیشتری دارند که از انصاف به دور است.»

به نظر پروفسور سبزی، جراحی در رشته قلب و عروق نیاز به دقت، توان، قدرت و همت زیادی دارد و چه بسا عمل‌های ظریف در این حوزه، ساعت‌ها طول می‌کشد. او می‌افزاید: «در این رشته به دقت، تمرکز و توان زیادی نیاز است. ممکن است مریض مشکل پیدا کند، طوری که همه فکر کنند از دنیا رفته است اما من باید کارم را ادامه بدهم. نباید خسته و ناامید شوم. در بسیاری از رشته‌ها که شاید شما هم شنیده

بیماری را نجات دادم که گواهی فوتش صادر شده بود

رکورددار بیشترین و موفق‌ترین عمل‌های جراحی قلب در سال، خاطرات تلخی هم دارد که چند نمونه‌اش را برای ما تعریف می‌کند: «مرد ۵۵ ساله‌ای که از اقوام همکاران اتاق عمل من بود و عمل عروق کرونر را برایش انجام دادم، در لحظه‌های آخر دچار ایست قلبی شد. شروع به ماساژ دادن قلبش کردم و ۴۵ دقیقه با همراهی همکارانم بی‌وقفه قلبش را ماساژ دادیم به طوری که پزشک بیهوشی خسته شد و گواهی فوت بیمار را نوشت و از اتاق بیرون رفت اما من همچنان کارم را ادامه دادم تا بعد از ۱۰ دقیقه ضربان کوچکی روی دستگاه ثبت شد و کم‌کم قوت گرفت. مریض با کمک دستگاه و دارو احیا و بعد از یک ماه از بیمارستان مرخص شد. در جراحی قلب مایوس شدن و از مریض دست کشیدن معنا ندارد و باید با وجود نداشتن علائم حیاتی کارتان را ادامه دهید به امید این که بیمار حیاتش را دوباره باز یابد.»

درآمد شغل‌مان به نسبت سختی کار کم است

از پروفسور سبزی درباره سختی‌های حرفه‌اش می‌پرسم و این که آیا از درآمد شغلش راضی است یا خیر که این‌گونه پاسخ می‌دهد: «جراحی قلب بسیار سخت است و اگر یک بخیه میلی‌متری جابه‌جا شود، باعث مرگ بیمار می‌شود. بدون تعارف بگویم جراحان قلب جزو سخت‌جان‌ترین پزشکان هستند. گاهی ممکن است ۶ تا ۷ ساعت سرپا باشند، به دلیل وضعیت بیمارمان بسیاری از شب‌ها بیدارند و بر خلاف بقیه رشته‌ها که جراحی راحت و درآمد خوبی دارند، درآمدشان به نسبت سختی کار کم است. بنابراین و بالطبع اقبال دانشجویان به این رشته در آینده کم می‌شود و به همین دلیل معتقدم

در سال‌های آینده این رشته هم مثل یوزپلنگ ایرانی کمیاب می‌شود و حتی اگر مسئولان فکری به حال این رشته نکنند، این رشته منقرض خواهد شد.»

قدر دان معلم‌انم هستم

دکتر «سبزی» در سال ۱۳۴۴ در کرمانشاه به دنیا آمده است. او در ابتدای صحبت درباره دوران کودکی‌اش چنین می‌گوید: «در کرمانشاه به دنیا آمدم و در مدرسه توفلی درس خواندم. آقای فاضلی، خانم سلطانی و آقای کرچی از معلمان خوب من بودند که محبت‌شان را فراموش نمی‌کنم. یکی از معلم‌هایم یعنی آقای کرچی را خودم در ۸۰ سالگی‌اش عمل کردم. در دوره راهنمایی با کتاب خواندن انس گرفتم و در کانون پرورش فکری ثبت‌نام کردم. دبیر شیمی

هم به جراحی علاقه داشتم هم چشم‌پزشکی

او که دوره پزشکی عمومی را در تهران گذرانده، برای انتخاب رشته تخصصی دچار مشکل و تردیدهایی می‌شود. خودش در این باره می‌گوید: «آن زمان به تشویق دکتر مددی (ارتوپد)، به جراحی علاقه‌مند شدم و به چشم‌پزشکی هم علاقه داشتم به طوری که یکی از کتاب‌های چشم‌پزشکی را حفظ کرده بودم. یکی از متخصصان چشم‌پزشک به من پیشنهاد داد به تهران بروم و این رشته را در کنار او ادامه دهم چون من رتبه خوبی در کنکور کسب کرده بودم، می‌توانستم در هر رشته و هر دانشگاهی که بخواهم ادامه تحصیل دهم اما در تهران به من گفتند شما می‌توانی به هر رشته‌ای بروی جز چشم‌پزشکی! پیگیری‌هایم از طریق رئیس دانشگاه به نتیجه نرسید، من نمی‌دانستم باید چه کاری انجام دهم بنابراین از ادامه تحصیل در تهران منصرف شدم.»

همه نوع عملی کردم از درمان شکستگی تا جراحی قلب

پروفسور سبزی برای ادامه تحصیل در رشته جراحی عمومی دانشگاه جندی شاپور مشغول تحصیل می‌شود و به اتفاق ۱۵ نفر دیگر شروع به کار می‌کند. این دوران برایش تجربه‌های زیادی به همراه داشته است. او در همین باره می‌گوید: «از آن زمان خاطرات خوبی دارم و موفقیت خودم را در رشته جراحی مدیون مردم خوزستانم. بعد از اتمام جراحی عمومی به کرمانشاه آمدم و از طرف دانشگاه به شهر کنگاور در استان

کرمانشاه فرستاده شدم. آن زمان بادم هست که بخش جراحی بیمارستان غیر فعال بود. من آن‌جا همه نوع جراحی انجام می‌دادم. اولین عمل جراحی سرطان را انجام دادم، همه نوع عملی می‌کردم، از درمان شکستگی تا عمل سزارین، قلب و ...»

روزی که از شب تا صبح عمل جراحی انجام دادم

در ادامه گفت‌وگو می‌خواهم که آقای دکتر برای ما از خاطرات شیرین و البته گاهی هم تلخ‌شان در این حرفه بگویند. پروفسور سبزی می‌گوید: «یک روز در یکی از روستاهای کنگاور بین دو طایفه دعوا شده بود و تعداد زیادی از هر دو طرف بازخم‌های سنگین مانند پارگی طحال، تاندون و ... به بیمارستان مراجعه کردند. آن شب مجبور شدم تا صبح، پشت سر هم عمل جراحی انجام دهم و جراحات‌ها را درمان کنم. خاطره دیگرم مربوط به جوان ۲۰ ساله‌ای است که بر اثر نزاع، دچار جراحات سمت چپ قفسه سینه شده بود و با بخیه، جراحات را ترمیم کردم. در ظاهر، مریض مشکلی نداشت و باید برگه ترخیص او را از بیمارستان تایید می‌کردم تا به خانه‌اش برود اما شک کردم شاید قلبش هم دچار جراحات شده باشد. به همین دلیل او را به اتاق عمل منتقل کردیم و به محض این که قفسه سینه را باز کردم، خون فوراًن کرد. همان لحظه من با انگشت جلوی خون‌ریزی را گرفتم و بخیه‌زد. در واقع خون در محل جراحات لخته شده بود و اگر مریض با این وضعیت مرخص می‌شد، با یک عطسه و سرفه لخته پاره و مریض دچار خون‌ریزی و شوک می‌شد و فوت می‌کرد.»

